

پیش از پرداختن به اصل مصاحبه، با سپاس بسیار، جا دارد یادآوری گردد که من هموند حزب ملت ایران هستم و، در پاسخ به پرسش‌های شما، روشن‌گر جهت‌گیری‌های آن خواهم بود.

پرسش: شما انتخابات گذشته‌ی مجلس شورا را به علت فقدان شرایط لازم دموکراتیک تحریم کردید. آیا شرایط ضرور برای شرکت شما فراهم شده است؟ این شرایط کدام‌اند؟

پاسخ: انتخابات گذشته‌ی مجلس شورا را حزب ملت ایران نمایشی تلقی کرده و از مردم و همه‌ی سازمان‌های سیاسی دگراندیش خواست تا از شرکت در آن خودداری کنند. به گمان من، اکنون هم شرط‌هایی که برای انجام یک انتخابات راستین ضرورت دارد فراهم نشده است و سردمداران جمهوری اسلامی همچنان با یکه‌تازی فراگیر بر کشور فرمانروایی می‌کنند و به مردم فرصت رقم زدن سرنوشت خویش را نمی‌دهند.

پیش‌شرط‌هایی که حزب ملت ایران و دیگر سازمان‌های سیاسی هماهنگ با آن برای هر گزینش ملی طرح کرده‌اند و می‌تواند دربردارنده‌ی فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی باشد و به تازگی بار دیگر به گونه‌ی یک گزارش ویژه نشر یافته است در اختیارتان گذارده می‌شود.

پرسش: آیا امکان انتخابات آزاد را فراهم می‌بینید؟

پاسخ: به هیچ وجه. به گمان من، انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی، که نظامی است واپس‌گرا و سرکوبگر، امکان ندارد و تنها اگر زیر فشار همه‌جانبه‌ی مردم وادار به عقب‌نشینی گردد و پیش‌شرط‌های یک گزینش ملی را بپذیرد و آن‌ها را انجام دهد، می‌توان به تجلی اراده‌ی همگانی امیدوار بود.

پرسش: فراخوان شما برای تشکیل یک جبهه از طرفداران حکومت مردم‌سالاری با استقبال اکثر نیروهای مردمی ایران مواجه شد. آیا امکان تشکیل یک جبهه‌ی واحد با این نیروها وجود دارد؟

پاسخ: این فراخوان افزون بر یک سال و نیم پیش از سوی حزب ملت ایران صورت گرفت؛ ولی به‌رغم استقبالی که از آن گردید، به علت جو اختناق‌آمیز درون کشور و نبود امکان گفت‌ووشنود آزاد برای رفع اختلاف‌ها، تا کنون به

نتیجه‌ی دلخواه نرسیده است. به‌خوبی روشن می‌باشد که پدید آوردن یک جبهه‌ی واحد از همه‌ی نیروهای ملی معنای از میان بردن تفاوت‌ها در جهان‌بینی و آرمان‌شناسی را ندارد؛ ولی بخشی از آنان که خواستار برقراری سامانی مردم‌سالارانه در ایران هستند باید به برداشت‌های همانندی از چنین هدفی دست یابند و بر سر سیاست راهبردی (استراتژی) و شیوه‌ی کارآوری (تاکتیک) درخوری به توافق رسند. در این راستا، تنها گامی که مدت کوتاهی پس از آن فراخوان برداشته شد شکل دادن به «اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران» به کوشش چهار سازمان سیاسی

پیشینه‌دار - جنبش برای آزادی ایران، حزب نیروی سوم، حزب مردم ایران، و حزب ملت ایران - بود. با این همه، یک جبهه‌ی فراگیر از نیروهای مردمی درون و بیرون کشور برای برچیدن بساط خودکامگی و استقرار حاکمیت ملی

همچنان ضرورتی است تاریخی و امکان‌پذیر هم می‌باشد؛ ولی نباید فراموش کرد در فضای سیاسی بسته‌ی کنونی کشور، که حیثیت ذاتی بشر و حقوق ملت به‌کلّی نادیده انگاشته شده است، راه رسیدن به آن پرخطر و چه‌بسا

طولانی می‌باشد و جا دارد با امید و به‌دورازخستگی دنبال گردد.

پرسش: نظرتان راجع به بیلان هجده‌ساله‌ی جمهوری اسلامی و نیز وضعیت کنونی کشور چیست؟

پاسخ: زیر نام «جمهوری اسلامی»، قانون اساسی پرنقصی بر انقلاب بار گردید که تاروپود آن با واپس‌گرایی تنیده شده و از جان‌مایه‌ی کشورداری تهی است و هیچ دگرگونی بنیادی در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی و هیچ نوآوری سیاسی و پویایی فرهنگی پدید نیاورد.

برآیند کارکرد سردمداران جمهوری اسلامی در این مدت دراز، به‌ویژه از هنگامی که با نسخه‌پیچی کانون‌های جهانی سرمایه‌گرا، دو برنامه‌ی «توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» یکی پس از دیگری پیش کشیده شد، اوج‌گیری دلال‌بازی، رباخواری و احتکار، این تحفه‌های زشت سوداگری مهارگسیخته، و گرانی سرسام‌آور، گرسنگی، برهنگی، بی‌سرپناهی، بیکاری، کمبود بهداشت و درمان و دارو و نارسایی پرورش و آموزش در همه‌ی سطح‌ها بوده است. در این میان، دست‌اندرکاران ناشایسته جز افزودن بر حجم اسکناس در گردش، کاهش ارزش پول ملی، به بار آوردن مبلغ‌های گزاف بدهی به کشورهای بیگانه، و فروش نفت خام کمتر از بازار جهانی هیچ هنری از خود نشان نداده‌اند. سردمداران جمهوری اسلامی، که سخت دچار قشریگری هستند، هیچ شناخت درستی از سود و صلاح ملی ندارند و با دشمنی‌های نابجا و دوستی‌های نسنجیده، به‌ویژه از لحاظ سیاست خارجی، کشور را به بن‌بست انداخته‌اند و، در جهان پردرگشت کنونی، ایرانیان را از بهره‌برداری از فرصت‌های گران‌بهای بازداشته‌اند.

پرسش: آیا نیرویی با محتوای «چپ اسلامی» وجود عینی و مؤثر دارند؟

پاسخ: در باور من، اسلام دینی است با بنیادهای روشن و، به‌رغم داشتن فرقه‌های گوناگون، از هر برداشت کهنه و نو یا تند و کند یا چپ و راست رها می‌باشد؛ و این تعبیرهای ذهنی را بیشتر کسانی پیش می‌کشند که بخواهند بار دیگر از آن برای رسیدن به قدرت فرمانروایی بهره‌گیری کنند.

پرسش: پیشنهادتان برای برون‌رفت از بن‌بست کنون چیست؟

پاسخ: برون‌رفت از بن‌بست کنونی گسترش تکاپوهای سلطه‌ستیزانه و تغییر ملی در ساختار سیاسی و اداری کشور و برقراری سامانی مردم‌سالارانه را طلب می‌کند که جز با زنده‌داشت اسطوره‌ی «همبستگی همگانی» امکان‌پذیر نمی‌باشد. باید همه‌ی ایرانیان به پشتیبانی از سازمان‌های سیاسی و نهادهای صنفی ناسازوار با یکه‌تازی برکسی‌قدرت‌نشستگان برخیزند و آن‌ها هم هر چه زودتر جبهه‌ی فراگیری را شکل دهند و بکوشند خشم خاموش کنونی مردم جای خود را به پرخاش و خروشی دگرگون‌ساز بدهد.